

سرداران عصر خود بود و دانشمندان و نویسندگان بخصوص نویسندگان
 فرانسه او دست میداشت و خود او زبان فرانسه را میدانست و
 نوشتجات خود را با لغت فرانسه خوشتر از آلمانی داشت و یکی
 از دانات نزدیک بر آن موسوم به پوتدام منزل داشت و در آنجا
 بدون اجزا و خدم زندگانی میکرد و همیشه لباس مناسبی
 میپوشید مقصودش این بود که مقدم بر همه چیز عظمت خود را بزرگ
 نماید در کارهای مخالفترین چندان دقیق و مفید بود بعد از مرگ
 شارل ششم امپراطور آلمان فروری یک بیلی از ایالت‌های اطیش
 موسوم به سیزمی قشون فرستاده در سال ۱۷۱۴ آنجا را متوج و متفر
 ساخت و خواست باری بریزد و تخریب شارل ششم را مجبور نماید که آنجا
 با و آذکار کند و باری بریزد و در صد برآمد که آن ایالت را پس بگیرد
 و لاجرم در سال ۱۷۵۶ با فرانسه در روس و سوئد و شاهزادگان آلمان
 عهد موافقت بست و آنوقت جنگ هفت ساله شروع شد
 اطیشی و فرانسه با دروسا و سوئد و سایر چهار طرف داخل جنگ
 پرورس کردند

فردریک با قشون خود از یک طرف مملکت طرف دیگر حمله نمود
 سرپازش با جلیه می و چاکلی حرکت نموده علیه انا تاج قیسه
 عاقبت الامر مصاحبه بر این مخرج یافت که ماری تزر در سال ۱۷۶۳
 و اگه اشتن سیلزی را امضا نمود

بعد از آن فردریک کاری کرد که کاترین امپراتریس روس مجبور
 گردید پنی (دور شو) را در سال ۱۷۷۲ یا او تقسیم نمود و تمام خاکلی کرد
 سیاه و دقته از مملکت او واقع شده بود از امانی پنی گرفت در
 جمیت مملکت پروس و طیون پانصد هزار نفر بود در سال ۱۷۸۵
 پنج طیون پانصد هزار جمیت انجام شد و قشون پروس بهترین
 قشونهای اروپا گردید

سؤالات

فردریک دو تیم چه کرد در کجا منزل داشت و حادثه چگونه بود با
 ابالت سیلزی چه کرد ماری تریز و دختر شارل ششم با او چه کرد بعد از
 جنگ هفت ساله مصاحبه بر چه واقع شد فردریک با پنی چه کرد -
 عده نفوس پروس در عهد او چه اندازه بود و چه شد

خلاصه نه باید از بر نه باشد

اولاً مملکت پرورس شکل یافته است از براند بزرگ و ذوالی نشین پرورس
در ۱۶۰۰ در تحت اطاعت بهین زرتین درآمد و در ۱۶۰۰ میلادی
نشین کرد

ثانیاً پادشاهان پرورس عمال بسیار اخلاص کیش و قشونی قوی داشتند
و در صرف نزل بسیار مزد جوئی میکردند مقصود عهد ایشان آن بود که
وقت بایند تا مملکت خود را بزرگ سازند

ثالثاً از ۱۶۰۰ الی ۱۶۸۵ فردریک بزرگ سردار می قابل و اهل
پولیت بود ولی با موردین دوستی معین نبود



پروان دلهستان در سال ۱۲۷۰ هجری روس در روس در افغانی غنیمت کردید
 سلسلی - یکی از ایالات افغانی است که پادشاه روس در ۱۲۴۱ هجری غنیمت نمود
 بزرگن - پایتخت پروسی است
 هندام - قریب کوچکی است نزدیک بزرگن که نسل سلطین پروسی است
 براند بزرگ - یکی است در اطراف برلین

فصل پنجم تشکیل مملکت انگلیس

۳۹- مهاجران شینهای اروپائی پرتوگالیها و اسپانیولیها
 اولین مردمانی از اروپا بودند که مابقی دنیا را کشف نمودند و در
 آفریقا و آسیا و اقیانوسیه مالکی را که شاید کی داشت تصرف
 نموده با ثروت ترین ممالک را گرفتند ولی چون حکمرانی ایشان
 بسیار بد بود مهاجران شینهای ایشان بسیار فقیر و ضعیف گردیدند
 ایالتیانیها و آلمانیها مهاجران شینها شدند زیرا که ملتی از ایشان
 تشکیل شد و دولتی قوی شدند که در ممالک و در دست متصرفان
 پیدا کنند اما فرانسه و انگلیسها و بلاندیها در قرن بعد هم
 شینهای بسیار تشکیل دادند
 بلاندیها در جزیره بزرگت اوادسوما تراکن یافتند و در
 نام شمال امریکارا که اکادسی و کانادا باشد متصرف شدند و همچنین
 مملکت عسی سوسی که (نوئیریان) باشد مالک شدند

و نیز در جزایر استیل با جزیره بزرگ ماتی را گرفتند و انگلیسها تمام
خواجی شرقی امریکای شمالی را تصرف نمود

سؤالات

پرتگالیها و اسپانیولیها با مهاجر نشینهای خود چه کرده ایما ایطالانایها
و آلمانها مهاجر نشین داشتند فرانسه و انگلیس و هلند کجاها را تصرف کرده

۱۴۰- تسخیر انگلیس هندوستان - در قرن بیستم انگلیسها
با فرانسه با بر سر مهاجر نشین جنگ نمود در آنوقت در مملکت هند
و در کیانی تجارتی بود یکی کیانی انگلیس در مدرسه و دیگری در فرانسه

پندی چرمی

رئیس کابینه فرانسه و پیش شروع تصرف ممالک هند نمود بود و
این مسئله اسکالی است زیرا که مملکت هند در میان بسیاری از
شاهزادگان کوچک تقسیم بر ایشان قشون نه داشتند جز آنکه
سر باز بسیار بدست آئین هند هم نبرد و دفاع وطن خود نمود و این
نقدی بسیار مقصود و مفید بود زیرا که هند پیش از دو بیست و شش
جمعیت دارد و معده از می زیاد پیشه بر پنج دلیل و شکر و ابر و غیره

و بسیار دیگر محصول آنت

انگلیسها از دولت فرانسه خواستش کردند که در پلکس رئیس کمپانی را
معزول کند و دولت نیز قبول کرده در ۱۷۵۴ اورا معزول ساخت
بعد از آن انگلیسها خودشان شروع قسیر شدند نمودند و تنها با یک
جنگ در ۱۷۵۷ تمام مملکت بزرگ بنامه مستعراشان شد و بعد از
آن در ۱۷۶۰ مهاجر نشینهای فرانسه را خراب کردند و خودشان
مالک مملکت بند گردیدند که امروز هم هستند

سؤالات

در بند چند کمپانی تجارت بود رئیس کمپانی فرانسه که بزرگ میگردد انگلیسها
بند چه کردند
۱۴۱- تسخیر انگلیس امریکای شمالی را - همچنین در امریکای جنوب
قسم وقوع یافت در ۱۷۵۴ در تیکر جنگ با بین فرانسه و انگلیس
شروع شد بزرگ گرامی انگلیس بزرگ گرامی کانادا که مهاجر نشین
فرانسه بودند محو کردند

بزرگ گرامی فرانسه مانند شیخا جان و لا ورمقادت نموده در ابتدا
طالب آمدند ولی بعد از آن دولت انگلیس قشونی باهرا بزرگ گرامی

خود فرستاد و دولت فرانسه کسی را بآباد و بیارمی حایمی خود نخواست
 کانا دانی پیش از پنجاه رعیت نداشتند که طرف حمله چهل هزار قشون
 واقع شده بودند و نیز تدارک فرخانده شدند و لاجرم انگلیس
 کانا و اخضر یافتند

در مجامع و در سال ۱۷۰۱ دولت فرانسه تمام متصرفات خود را که در امریکا
 شمالی داشت با انگلیس واگذار نمود در تمامت این جنگها بزرگترین
 تابع فرانسه و تلاحان فرانسوی در حال شادت تکالیف جنگی
 خود را بجای آوردند ولی در آن وقت لوی پانزدهم فرمان فرمای
 مملکت فرانسه بود و همه کس میدانند که ترقیب سلطنت او چند بود
 از طرف دیگر در آن زمان هیچکس نمیگفت که مهاجر نشین از برای یک وقت
 چه فایده دارد

پول بسیار صرف نمیدادند و قشون بسیار در جنگ آلمان و ایتالیا
 حرکت میدادند در صورتیکه فرانسه را در آن ممالک به آن فایده و منفعتی
 متصور نبود ولی در فرستادن چهار پنجاه قشون برای حمایت مهاجر
 نشینها مضایقه میکرد و حال اینک این معنی سبب میشد که ممالک عالم

ملک فرانسه کرد

سؤالات

بزرگان انگلیس با بزرگان کانادای فرانسه چه کردند بزرگان فرانسه در مقابل ایشان چه کردند علت اینکه بزرگان فرانسه مغلوب شدند چه بود چرا فرانسه قوئی یازمی مهاجرنشینهای خود فرستاد

خلاصه که باید از برنمایند

اولاً مهاجرنشینهای اسپانول و پرتوگال بسبب رفقای دولت معدوم

شدند در قرن هجدهم فرانسه با انگلیس و هلند با مهاجرنشینهای

بزرگ را مالک شدند بخصوص در امریکای شمالی و در هند

ثانیاً رئیس کمپانی فرانسه دوپلکس در قرن هجدهم در صده آن بود که بخت

فرانسه در هند مستعمرات تحصیل نماید ولی در ۱۷۵۷ دولت فرانسه او را مغرور

ساخت بعد از آن انگلیسها هند را مستعمر نمود و در ۱۷۵۷ از بنال شروع کردند

ثالثاً در امریکای بزرگان کانادای فرانسه چون از دولت خود حمایت ننمودند

با طاعت انگلیسها درآمد و در ۱۷۶۳ فرانسه از تمام مستعمرات امریکائی خود دست

رابعاً فرانسه بواسطه خطای دولت خود مالک بسیاری را از دست داد

و انگلیسها آنها را متصرف شدند

فصل دهم بنای آمارونی

۱۴۲- همچنان مهاجرنشینهای امریکایی بزرگان امریکای
شمالی تابع انگلیس با برعکس آنی خود میسر و اعتقد زیرا که دولت انگلیس را
عادت بر این بود که در امور داخلی همه خویش کمتر مداخله نماید
اسباب اذیت نفرت ایشان فراهم نمود و این یک نوبت از
این عادت غفلت نمود و باین جهت تمام مهاجرنشینهای بزرگان
دشمن بر شد باین معنی که در صورتیکه از برای دولت انگلیس
لازم شد و مالیاتی جدید بر زارعین متبذره خود بدون مشورت ایشان
مقرر داشت زارعین مزبور از ادای آن امتناع ورزیدند و
گروهی دیگر که انگلیس را از سرش خود بیرون کردند دولت انگلیس
توفیق محبت مطیع ساختن ایشان مأمور نمود و زارعین مراتب
و کینی تعیین کرد و مجلسی در فیلادلفی منعقد ساختند و در چهارم
مجلس مزبور رسماً اظهار نمود که آن ممالک از انگلیس مجزومند.

و جمهوری آمازونی امریکای شمالی تشکیل گردید

سؤالات

عادت دولت انگلیس بایر زکرات خود چه بود باعث شورش بزرگان سنج
انگلیس چه شد عاقبت کار ایشان بچگونگی انجامید

۱۴۳- آزادی آمازونی جنگ با بین انگلیسها و آمازونی
جنگ آزادی امریکا میخوانند که از سال ۱۷۷۵ الی ۱۷۸۳ است امریکاییان
و محالک متحد آمازونی در ابتدا مغلوب گردید زیرا که قشون فرانسه
در خلاف دولت انگلیس بیست هزار سرباز آلمانی باجیر نموده با امریکاییان
فرستاد ولی بعد با جمعی داورمان فرانسوی با بداد امریکاییان
شاقه و دولت فرانسه نیز قشون برای آنها در ستاد و انگلیسها
مغلوب شدند و در سال ۱۷۸۱ مصاحبه واقع شد مگر آزادی آمازونی
در آنوقت در نزاع اشکون بود که جنگ ایپایان رسانید و هر
نام او شهرت یافت

سؤالات

جنگ با بین انگلیس و آمازونی در چه وقت واقع شد سبب غلبه انگلیسها
آید چه بود بالاخره چه باعث شد که آمازونی غالب گردیدند

خلاصه که باید از برنامیند

اولاً برزگران امریکای شمالی انگلیس خودشان متصدی حکومت
خود بودند و بعد از آن پسر ایالتی که دولت انگلیس بدون مشورت
ایشان تحمیل کرده بود در سال ۱۷۷۶ شورش نمود

ثانیاً - وکلای ایالت امریکا در سال ۱۷۷۶ مجلسی در فیلا دلفی متصد
ساخته ادعای آزادی آنرا می نمودند

ثالثاً - از سال ۱۷۷۶ الی ۱۷۸۳ حاکم متصد آزادی برای
آزادی خود جنگ نمودند و بالاخره با افسران انگلیس را
مجبور کردند که آنها را با آزادی بشناسند

رابعاً - ژنرال واشنگتون حاکم آنرا آزادی کردید

ماصل کتاب سیم

اولاً ایجاد اختراعات بزرگ و انکشافات مهم اثرات عصر جدید
 ثانیاً قطب نامآلان را بدایت نمود تا امر کار اکتف کردند و چنانچه
 دانشمندان را ملکت نمود تا معارف جدید را در عالم نشر ساختند .
 و مردمان بخمال افتادند که بر کلیه شورشش نموده احکام او را فرمودند و
 کنند استمال با روت در جنگها اسلحه هوننا کی بدت سلاطین بود
 ثالثاً - از روی این ترقیب اوضاع عالم تغییر کرده اروپائیان تسلط
 جدید پیدا کردند اول اسپانیا و پرتغال صاحب تسلط شدند و
 بعد از ایشان بلژیک و فرانسه که مهاجر نشینهای وسیع دست
 آوردند

رابعاً بجای اینکه دول اروپا بهم خودشان را بازویاد مستمرات
 ترقی تجارت و صناعت مصروف سازند بسبب جنگهای طولانی
 عموماً مالک ایشان در تزلزل و اضطراب بود سلاطین فرانس
 و اسپانی سارا قدرت شدند و با ایتالیا بجنگ نمود و چون تاکنون

امپراتور اسپانی شد مابین خانواده فرانسه اسپانی زد و غور بزرگ
 شروع شد و در همه جا جنگهای مذهبی با جنگهای ملیستی مخلوط بود
 خامساً - در اواسط قرن هجدهم خانواده اسپانی مغلوب شد و فرانسه
 در عداد اولین دولت اروپا درآمد ولی قدرت خود را بی موقع و بی هدف
 صرف نمود

سادساً - بعد از آنکه در ۱۷۹۲ شورش ملیتیکی اسباب از اوجی انگلیس کرد
 دولت انگلیس دشمن خطرناک فرانسه شد و مهاجرتشینهای فرانسه را که
 مملکتی بزرگ تشکیل داد و دو مملکت جدید خطرناک ظاهر کرد یعنی روس
 و پروس

بعد از این دولت فرانسه در مقابل پیش آمد های اروپا مثل سابق
 رفتار میکند ولی بعد از شورش معروف فرانسه مقام ریاست
 انسانی از برای او حاصل شد

کتاب چهارم

بازمنه معاصر

فصل اول

شورش فرانسه

در اروپا

۱۳۴- ازمنه معاصره - در آخر قرن یجده بر عصر جدیدی
برای فرانسه شروع شد و همچنین برای تمام اروپا بلکه برای تمام
عالم

۱۳۵- اظنار حقه و شریعت - مجمع قبی که در وقت پادشاه فرانسه
منقذ گردیده بود اجازت داشت که تمام مردم در اعمال ازاد و
حقوق مساوی باشند و مقصود ایشان قاطعت فرانسه نبود بلکه
نیخواستند حقوقی را که تمام ملل دارا هستند مطالبه نمایند و این عمل
عبارت از اجازت حقوق انسانی است

سؤالات

اظهار حقوق انسانی عبارت از چیست. مجمع عالی فرانسه در چه سده منقذ
در چه مطلب اظهار داشت

۱۴۶- اصول ۱۹- بعد از آنکه مجمع این اظهار را نمود
قوانین از برای دولت وضع نمود که آنها را اصول ۱۹ نامیدند
و قوانین مزبور ازین قرار است

اولاً باید تمام مردم آزاد و صاحب حقوق مساوی باشند
ثانیاً هر کسی در تمام اعمال خود آزاد است در صورتیکه مخل آسایش دیگر
نباشد باین معنی که هر کسی آزاد است در نیالایات خود و در نوشتن هر چه
خواهد و در اعجاب هر چه خواهد و در انتشار کتب و همچنین هر کسی آزاد
است که بیرون رود و در هر شهری که خواهد ماند و هر شهری
که خواهد کند و هرگز نباید احدی را مشرف سازند که اگر آنکه شهروندی
در حق او برود و تمجید احوال مجرم را از بیم شهرها و آشنایان خود
او بنماید که در مجلس استعناق یا محکمه عدالت حاضر میشود
ثالثاً- قانون احکام نسبت تمام مردم یکی باید باشد اعلی برتک و برتک

می‌توانند عمال دیوانی یا صاحب منصب شوند فقط صفات شخصی هر کس
باید مناسط اعتبار دانسته فاضل و ثروت او تمام مردم بیک اندازه
باید مالیات بدهند پس همه کس در مقابل قانون مساوی خواهند بود.
رایجاً - امانت مملکت باید بجهت انتخاب کلا و نمایندگان خود جمع
شوند و بیعت نمایندگان فقط حق دارند مالیات وضع نمایند و قانون
بگذارند و زرار باید مطیع نمایندگان ملت باشند زیرا که حکم در دست
ملت است در دست زرار

سوالات

اصول ۱۹ یعنی چه قوانینی که جمیع قی وضع نمود شرح دهید

۱۴۶- حال اروپا در ۱۸۹۰ - اغلب این قوانین طبیعی
و معمولی بنظر می‌آید و شاید شما خیال کنید در مملکتی که اهل آن از آن
نباشند و در کار کردن و حرف زدن و نوشتن و خیال و غیر آن محتاج
نفس خود نباشند چگونه زندگانی توان کرد یا چگونه دولت می‌تواند
بدون سبب مردم را مجبورس نموده پول از ایشان بگیرد یا بر حسب
نفس حکم توقیف کسی ابدی ولی با اینحال امروزه تمام ملل مشرق

زمنی یعنی ترک و ایرانی و مصری ترتیب زندگانی ایشان مانند کسی است
 که دلی و قیم داشته باشد بلکه قبل از شورش ۱۹ اسپانی و ایتالیا
 و المان روس و فرانسه و امریکای جنوبی تماماً حالتان مثل امروز
 ترکان بود یعنی احکام ایشان بر حسب میل و هوای نفس سلاطین
 و وزرای ایشان جاری میشد و سوامی بلاند و انگلیس و سویس و
 آازونی هیچ طمی خودشان با بر حکومت خود قیام نداشتند بهر
 طمی هم وجود نداشت بلکه تمامی اهل مملکت تابع و مطیع بود

سؤالات

در باب این قوانین چه بنفرمایید و چه خیال میکنید که ام یک از علل محکوم و
 مطیع سلاطین خود هستند قبل از شورش ۱۹ که ام یک از علل اروپا مطیع
 سلاطین و که ام آزاد بودند

۱۴۸۱- در باره امی اروپا - مملکت المان و ایتالی همیشه
 در میان شاهزادگان کوچک بسیار تقسیم شده بود و طرز رفتار
 و وضع احوال این شاهزادگان از رومی تقلید لومی چهارم
 پادشاه فرانسه بود که او را نمونه اعمال خویش قرار داده تقلید او
 عمارتها و قصرهای بزرگ بنا نموده و در پارکها مجسمه ها و فواره ها

مثل باغ در سالی قسرها داده بودند و اجیرهای و بارانها کلاهها
 با پر مرغ و غیره زینت داده لباسهای کلاتون دوز در بر میکردند
 و ساعتی زنده کافی خودشان با کلفتها ترتیب داده بودند از قبل
 ساعت بیدار شدن و غذا خوردن و خوابیدن و غیره و این
 کلفتها و بچه‌ها مخارج کزاف داشت زیرا که مرگین از سلاطین
 است تمام داشتند که امالی و بارایشان مزین تر و مجمل تر از دیگران
 باشند و بجهت این مخارج کزاف مالیات فوق العاده بر رعایا
 تحمیل کرده بودند در صورتیکه غالباً خود ایشان مباشر حکمرانی نمیکشیدند
 انجام امور مملکت را بمسئولین و اجزای در بنجانه خود داده داشته بودند
 و بر کزور مسیح باب عایار اطراف مشورت قرار میدادند و چون
 از تعدی و اجحاف حکام و ممالکین شایسته میشدند ایشان زانجا
 تهدید میکردند خلاصه نام مردم در دست یک مشت اجزای
 و بنجانه دامل و قریب بود یعنی بجای مملکت و اشخاصی که محبوب القلوب
 سلطنت بودند

مصلحت آلمان و ایتالی چه حال داشتند - وضع زندگانی در قارصا نیز اذکاران
 چه قرار بود - از برای مصارف تعلقات و تجمعات خود چه میکردند - رقیب حکمرانی
 ایشان چه قوم بود

۱۴۹ - اتفاق سلاطین امرای و خصوصت شورش

بعد از آنکه فرانسه را در راه مساوات و آزادی اظهارات نمودند
 تمام شاهزادگان ممالک و اجزای و بر باری از و از کون شدن
 خودشان بجم کردند و تنها مقصود یکی حفظ اقتدار خودشان بود
 بلکه اغلب ایشان از روی حقیقت و انصاف معتقد بودند که ملت قابل
 اداره کردن امور خود نمیباشد و بهترین دولتها دولتی است که
 تمام احکام آن در دست یک نفر بوده تمام مردم اطاعت از او نمایند
 مانند فرج سرباز که بدون بحث و ایراد مطیع رئیس خودشان میشوند
 و میگفتند خداوند پادشاهان را مامور کرده است که حکمرانی نمایند
 در خایه را از برای آن آفریده که مطیع باشند
 باب ۱۹۹ - اظهار نموده کتابهایی که از فرانسه میآید توقیف میکنند
 و بر سر آن آزادی سخن میگفت جس میزنند و بر کس از فرانسه
 میآید بفرموده قوانین شورشیان قبول نمیکرد و ارجحی پذیرفتند

بعد از این پادشاه پروسس و پادشاه سارون قرارداد پیمانگی را
که مشتمل بر ادو پادشاه فرانسه و خصوصاً ملت بود در سال ۱۷۹۱ میلادی

سئوالات

۱- بزرگترین فریبند ما در باب ارادی سخن گفتند - ما هر دو کانالک است اجزای
در باری چه کردند در باب ملت چه عقیده داشتند - در خصوص سلطنت چه عقیده
با کسیکه از فرانسه بجای وطن میگرد چه رفتار نمود - پادشاه پروسس و سارون
چه اقدامی نمودند

۱۵- جنگ ۱۷۹۲ - در سال ۱۷۹۲ سیت قانون گذاران

با امپراطور اعلام جنگ نمودند و بدون شویک سر قبیله پرو فرانسه

با قشونی جرار فرار گرفت و اعلان کردند که اگر فرانسه پادشاه خود را

مانند آنکه قبل از شورش بود مقرر ندارند شهر پاریس را خراب کنیم

ساخت فرانسه ما در دالمی بر او غالب آمدند و در بلژیک و ساو

نیز نظریاتند و سواحل طرف چپ رود رین را بدون اینکه کسی با

آنها مقاومت نماید تصرف کردند

قشون فرانسه بهر جا میرسد اسباب شورش و انقلاب فراهم شد

زیرا که فرانسویها بهر جا میرسیدند حاکمان قدیم را مغرول رخته

در برهه‌ی از امانی خود آنجا عامل نصب می‌کردند و بنجا دروسای
 ندسی برچو داشتند می‌کردند حقوق آقایان را بقلی پانال و منوح
 می‌نزدند

سؤالات

در ۱۷۹۲ قانون گذاران چه کردند - بدون شک مرتب پروسی چه کرد
 شد تئون فرانسه چه می‌کردند

۱۵۱- اتفاق در ۱۷۹۳ - یعقوبیان یعنی جمهوری طلبان

سخت در فرانسه قوت یافته ریاست حاصل کرده بودند و میخواستند

سرکثیر از سلاطین اروپا از بدن جدا سازند و این مقصد را

در باره لوی شانزدهم مجری داشتند و تمام مالک اروپا بر سر

فرانسه با اجماع نمودند و فرانسه با ایشان طرف شد یعنی اطریش و

پروس و تمام شاهزادگان آلمان و ایتالی و اسپانی و انگلیس و

بلند اتفاق تشکیل دادند که با فرانسه جنگ نموده آنها را مجبور کند

تا پادشاه اختیار نماید پروسها و اطریش با و انگلیس و ایتالی

و اسپانیول از پنج طرف مملکت فرانسه را احاطه نمودند چون

سر وار تئون فرانسه بود و اسلحه بدی داشتند در همه جا

خوردند اما سردارهای قشون دول متفقہ پاراجی پیش میآمدند و مقصودشان این بود که قبل از وصول پارس تمام قلعه های کوچک را منهدم کرده باشند و از این بابت فرانسه با وقت فرصت داشتند که چندین دست قشون جمع آوری نمایند و بجهت فرماندگی آن قشونها سردارهای جوان بسیار شجاع مانند پارس انتخاب کردند و با دولت متفقہ طرف گردیده قشون ایشان در آخر سال ۱۷۹۳ از فرانسه جدا کردند

سؤالات

جموری طلبان در فرانسه چه حال پیدا کرده چه میخواستند مالکیت اروپا نسبت به فرانسه چه کردند - سلطنت شکست فرانسه با از دول متفقہ چه بود بعد از آن فرانسه با چه کردند - کار ایشان با دول متفقہ بجا رسید

۱۵۲ - فیروز می شورشیان - در سال ۱۷۹۴ مالکی که قشون آنها بر فرانسه حمله کرده بود پی سپر فرانسویان کرد و در دوستان اسپانی و قشون فرانسه حضور یافتند یکی در کنار رود رن و دیگری در بلجیک و اتفاقاً دول برهم خورد پادشاه اسپانی و پادشاه پروس و چندین شاهزاده آلمانی در سال ۱۷۹۵ در بال مصاحبه نمودند

و فرانسه را بجهت ساختن دلی دولت‌های دیگر در جنگ آ
 جتند و قشون فرانسه در پیشرفتن مداومت نمود قشونی که از فرانسه
 به بیخک رفته بود در فصل زمستان که هوا شدت سرد بود بدون
 کتس و کلاه داخل بلاند گردیدند و از بنسره نامی یخ عبور می نمودند
 و سواره بود سار فرانسه در روی تخته نامی یخ اسب یا خند



سوار نظام پیمیزی در بین قوای بحری بلندی

گشتیهای بلاند را گرفتند در ایتالیا پادشاه ساردین که
 مغلوب بنا پارت شده بود از او طالب مصاحبه کردید
 و بعد از آن اطریشیها مغلوب شدند و آنها را از ایتالیا بیرون کردند
 و در سال ۱۷۹۶ اطریشیها طالب مصاحبه گشتند و بعد قرار بر این شد

که مجلس کشمیر ترکیب از سفرای دوله در بخشند و آلمان تشکیل شود
 از برای انجام عهدنامه که با پادشاه آلمان منعقد شده بود و فرانس
 هم سه نفر مأمور بحکس مزبور فرستادند و سواره بونسار اطریس در
 ۱۷۹۹ آنه نفر را بقتل رسانیدند و دوباره جنگ شروع شد در این
 نوبت اطریشها بار و سهام متفق شدند و قشون روس فرانسه را
 از ایتالیا بیرون کردند ولی در کوبهای سوئیس در ۱۷۹۹ بدست
 سردار ماسنا مغلوب گشتند

سؤالات

قشون فرانسه یکجا نرفتند اتفاق دول یکجا انجامید. قشون فرانسه
 بچه حال داخل طانده شدند - پادشاه ساردون چه کرد و اطریشها چه کردند -
 در بخشند آلمان چه مجلسی تشکیل یافت و بعد از آن چه شد - قشون روس
 ما فرانسه را چه کردند

۱۵۳- جمهوریهای متفقہ فرانسه مقصود فرانسه ما از این جنگها
 توسعه مملکت خودشان نبود ولی سادو ادو بلجیک و ساحل طرف چپ
 رود رن را برضایت و میل سکنه آن ممالک ضمیر فرانسه نمودند
 و سایر ممالکی که بتوسط قشون فرانسه فتح شده بود فرانسه ما از ادوی

کشورها اعلام نمودند که برادرگان و نجاران آنها بیرون نروند
 شخص اینکه دولت آنها را جمهوری سازند و سکه مملکت خودشان
 انتخاب کند و باین ترتیب شش جمهوری کوچک برقرار نمود جمهوری
 یاتا و در بلژیک و جمهوری سوئیس و جمهوری لی کوری در
 و جمهوری سی زالین در شمال ایتالی و جمهوری رمن در ایتالی
 مرکزی و جمهوری پاپ در ناپل که تمام اینها با فرانسه متفق بودند و
 حکومت آنها در دست ملت بود و بر حسب اصول مساوات تمام
 میگردید این کاری بود که سه بار از جمهوری کرد یعنی آزادی
 و مساوات تمام رعایا را نسبت بقانون مانند رعایای فرانسه اعلام
 کردند

سوالات

منصور فرانسها از این جنگها چه بود — فرانسها در حالیکه فتح
 نمودند چه اقدام کردند — چند جمهوری توسط فرانسه تأسیس شد

خلاصه که باید آرزو نمایند

- اولاً ابتدای زمان معاصرین در هنگام شورش ۱۷۸۹ در فرانسه بجهت برابری حقوق انسانیت اظهار نمودند فقط مخصوص فرانسه بجزه برای تمام ملل
- ثانیاً اظهار اصول ۱۹ آزادی عموم و تساوی حقوق را نسبت به تمام ملل و حق حکومت ملی را مقرر میدارد
- ثالثاً در آن هنگام قریب تمام ممالک اروپا هنوز مطیع مواد هوس سلاطین ووزرا بودند
- خامساً شاهزادگان کوچک در آلمان و ایتالی ایستاد و داشتند که در حرکات خود تقلید لوی چهاردهم را بنمایند و در امر حکمرانی رعایای خود را داخلند داده از ایشان مشورتی نمیکروند و بنحوا و محبوب القلوب با سلطنت تمام صاحب نفوذ و قدرت بودند
- سادساً - شاهزادگان ووزراء از اصول ۱۹ یعنی شدید داشتند و در امور مزبور با حقوق پادشاه که از جانب خداوند معین شده مخالف میدانستند

در این جهت هر کس از فرانسه بجهت نمود بسلامی وطن میکرد و در نزد خود می پذیرفتند
و در فرد نشانیدن شورش اتمام داشتند

سابقاً در سال ۱۷۹۲ در میان فرانسه و پروس و ساردینیا و اتریش جنگ
شروع شد و فرانسه غالب آمد و المی را منور ساختند و بزرگیت و
ساد و اساعل بسیار و درین راسته صرف در آوردند

تا سال ۱۷۹۳ یعقوبیان لوی شانزدهم را کردند زنده و تمام اروپا
بخدمت فرانسه برخواستند و از پنج طرف فرانسه را احاطه نمود ولی
بعد از آن فرانسه قشونی بزرگ تشکیل داد و در آخر سال ۱۷۹۳ سلاطین
از خاک فرانسه خارج ساخت

تا سال ۱۷۹۴ قشون فرانسه ممالک دشمن را فرا گرفته سلاطین اسپانی و پرتغال
مجبور کردند که در سال ۱۷۹۵ مصالحه را قبول نمودند و در بین سنه ۱۷۹۵ تا
تصرف نموده در سال ۱۷۹۶ ایتالیا را منور ساختند و در سال ۱۷۹۹ روسیه را
کرفتند بجز بزرگیت ساد و اساعل بسیار و درین جای دیگر را فرانس
ضمیمه ممالک خود نمود

و ممالک دیگر که منور فرانس شده بودند شش جمهوری تشکیل دادند که با
فرانسه متحد بودند

فصل دوم جنگ مملکت

۱۵۴- مملکت امپراطوری فرانسه - ژنرال ناباپوش
 مدارق معبر با شروط فرانسه اظهار خصومت و ضدیت نمود و در پیغم
 ماه دوم جمهوری نمایندگان (دو کلاسی ملت) را توسط سربازان
 خود خارج ساخته خودش با اسم کمسولی در فرانسه حکمرانی نمود و
 بعد از آن در سال ۱۸۰۴ خود را امپراطور خواند و بدون اینکه از ملت
 فرانسه مشورتی نماید امر بگرفتن نیات میکرد و قشون حرکت میداد
 و قانون میکشاد و اعلان جنگ میکرد خلاصه ترقیب مستطین
 قدیم حکمرانی میکرد و میخواست تمام مردم بدون ایراد مطیع حکم و امر
 او باشند تا شخص با با یارت سرداری صاحب عقل کامل بود و
 بهترین سربازان عالم را در زیر حکم داشت
 ناپلیون آزادی بیسج ملتی را واقعی نمیکشاد بجز آزادی فرانسه را
 چنانکه یک خبر اعلان را تصرف کرد و ایالتهای اطریه را که مجاور

فرانسه بود متصرف شد و همچنین در سال ۱۸۱۴ هانده و تمام مواهل دریاها ^{علی}
 منسوخ ساخت و بدون اینکه با سکنه آن ممالک مشورتی نماید آنها را ضمیمه
 ایالت های فرانسه نمود و سایر ممالک اجنبی را با توأم خود می بخشید مثل
 اینکه آنها را مستخر کرده باشد از آن جمله مملکت هانده را برادر خود لونی
 داد و بعد از و پس گرفت برادر زنتش مورات اوالی نشین بزرگ کلون
 نمود و بعد از آن پادشاه نشین ناپل را با و داد و مملکت ایتالیا را به
 زنتش ارن بخشید و پادشاه نشین است فالی را برادرش شوم
 عطا نمود و مملکت اسپانی را برادر و دیگرش رزف داد و تمام این
 سلاطین مطیع و منقاد امر او بودند

سؤالات

۱- نژاد بنای پارت بعد از فتح مصر چه کرد ترتیب فساد او در سال ۱۸۰۴ چه قسم بود
 ۲- همین بنای پارت چگونه آدمی بود چه ایالات و ممالک را تصرف نمود -
 ۳- ممالک اجنبی چگونه رفقار میکرد

۱۵۵- اتفاق سلاطین در خصوص مستقیمه اطرفی دارم ممالک

مغزب گردیده مصاحبه را انجام داده بود و انگلیسها در ۱۸۰۴ مصاحبه
 کردند ولی این مصاحبه دو سال بیشتر طول کشید یعنی انگلیسها شروع

نمودند و اطرشها در رو بهای نسیب با آنها متفق شده بر وضع خسران
 حرکت کردند و این اتفاق همین بود ناپلیون قشون جرادی تهیه
 کرده بود که در ساحل انگلیس پیاده و پیاده زد و با آن قشون
 فراگرفته تا شهر ونیزه برفت و در جنگ بزرگ استرالیس فتح کرد
 و در شب ۱۸۰۵ اطرش طالب مصاحبه گردید

سئوالات

مصاحبه اطرش با انگلیسها کجا انجامید و بعد از آن چه کردند - ناپلیون
 با قشون جسد از خود تا کجا رفت

۱۵- ناپلیون و آلمان - ناپلیون سپاه جبار
 خود را در آلمان نگاه داشته تمام خواستهای خود را بر آلمان عمل
 نمود آلمان حسرتی که تا آن زمان بدو دست شاهزاده نشین تقسیم
 بود در سه مملکت منحل گردید -

پادشاه نشین باویر و پادشاه نشین وورتمبرگ دو آلی نشین
 بزرگ ما و ناپلیون مملکت پروس را نیز بزرگ کرده بود اما پادشاه
 پروس تصور میکرد که قشون قدیمی فردریک بزرگ از قشون فرانس

قوی تر میباید و از این بود داخل جنگ شد و در سال ۱۸۰۶ در ناپل
گردید و تمام شهرایش متخرشد و سربازان او و ماغشان خود
بدون جنگ تسلیم شد

در سال ۱۸۰۶ در مصالحتی بین ناپلین و نصف مملکت پروس را
از پادشاه آن قمع ساخت و از مالکی که از پروس گرفته بود
پادشاه نشین دست خالی را از برای برادر خود ترتیب داد
در آن وقت تمام ممالک آلمان باین دورن در وادای یکدیگر
متصل گشته چند دولت از آن تشکیل یافت که باید بگویم متحد بود و قطعه
پروس و اطیش از آنها مفروز بود ناپلین امر نمود که او را حاکم
و دل متحد مذکور بخوانند و در حقیقت ناپلین صاحب مملکت آلمان
بود زیرا که از سال ۱۸۰۶ در آلمان امپراطوری نبود و امپراطوری قدیم
آلمان با امپراطوری اطیش مقرر گردیده بود

سؤالات

ناپلین با آلمان چه کرد - آلمان چند پادشاه نشین بود و بعد چه شد
پادشاه پروس با ناپلین چه کرد - در مصالحتی بین ناپلین چه کرد

در آن وقت ممالک آلمان باین رود درین دالب چه حال حاصل کرد - ۲۱۷
ناپلیون امر نمود او را بچند نام بخوانند امپراطوری آلمان مگر تعلق یافت

۱۵۷- ضبط و اعدام متعه - در تمام مدت انزوان در میان
فرانس و انگلیس جنگ مستمر بود ناپلیون در روسی دریا پیروز
بر انگلیسها غلبه نماید و لاجرم در صد و خزان و تمامی آنها بر میآید و
دفاع او تنها برای فرانس بود بلکه در عین بحالتی عمل میباید و آلمان
و اسپانی و ایتالیا قیام داشتند در برجامتاع مملکت انگلیس را
بدست میآورد و امر بقبض یا سوزانیدن آن میسوزد

سوالات

ناپلیون با انگلیسها چه میکرد مقصود ناپلیون غیر از دفاع فرانس چه بود
با آنگلیس چه میکرد

۱۵۸- همچنان اسپانیولیها در خصوص ناپلیون در ۱۸۰۸
که ناپلیون برادر خودش ژرژ ابر خلاف میل اسپانیولیها یا دشمن
اسپانی نبود و خودش با اسپانی بجهت برقرار نمودن او رفت معمولاً
فاتح کردید و ژرژ را برقرار کرد ولی بعد از برگشتن او سخاک فرانسه
اسپانیولیها در تمام اطراف اسپانی سرشورش برداشتند

قوت بزرگی از آنها تشکیل میدهد و حده زیادی نداشته ولی سوارها
کوچک که مرکب را اگر پلاستینامید در کوهها و درهها ماسخنی میکنند و
چون قوت فرانسه نسبت آنها برقت مطلقاً بدون آمده برایشان
حده در میشند لشکریان فرانسه که در جنگهای بزرگ همیشه غالب بودند
چون در این وقت برای تصرف اسپانیا و تنبیه سوریشیان بدست
کوچک تقسیم شده هر دو دسته بطرفی معرفت اغلب آنها کشته یا گرفتار شدند
این جنگ پنجسال طول کشید و هزاران از سرباز فرانسه در آن تلف شدند

سئوالات

بعد از جنگ ترزف سلطنت اسپانیایی آن چه کرد؟ اسپانیا را با چه قوت
قوت تشکیل میدادند با فرانسه چه کرد؟

۱۵۹۱ شورش اطریشیان در خصوص ناپلین در سال ۱۸۰۵ اطریشیان
بعضی ایالات خود را مجبوراً واگذار نمود و آن صلح را بجهت آن کرد
که تهیه دیده مجدد اجتنک نمایند از شهید و کن شارل سروا در اطریشیان
در وقتیکه سربازان خود را مرخص میکرد با آنها میگفت بروید و بخدی
استراحت کنید تا جنگ مجدد را شروع نمایم و ما بر این در مسکامیک

ناپلیون با اسپانی مشغول بود اطریش با و اعلان جنگ نمود و مشغول
 و ادل امپراطور اطریش به مایای خود را طلبیده با ایشان گفت دانسته
 باشید که امروز آزادی اروپا بزیر سیدی شما پناه برده است برادران
 آلمانی شما خلاصی خودشان را توسط شما امید دارند و بالاخره
 مشغول اطریش با درو اگر امجد و مغلوب شدند و ناپلیون چند
 ایالت دیگر از اطریش منزع ساخت و چند ایالت با باقی گذاشت
 و تیرل را با ویرود اولی هسکا میکه سر بازاران فرانسه قشون با ویری
 داخل تیرل گردیدند تیرلی با چون راضی نبودند که از اطریش منزع
 شوند بیجان آمدند و در مدت چند روز شش هزار سرباز فرانسه و
 با ویری را اسیر نمود و ملک خودشان را مستخلص کردند و دوباره
 قشونی از فرانسه تیرل را فرا گرفته اندره مندی رئیس کوستانها را گرفتند
 و در مانتو او را تیر باران کردند و آلمانها در راه شہید راه آزادی شروع
 در موت او ماتی بشکوه گرفته اجماعی شایان نمودند و تیرلی مانع
 در آواز خودشان او را ذکر مینامید مثل فرانسه با که مارسیه نیز میخوانند
 مستحوالات

امریکی با عدد از صلح ۱۸۰۵ را چه کردند - ارشید و ک شارل سرود و پرنس
 چه میگفت امپراطور اطریش با رعایای خود چه گفت بعد از جنگ مجدد و آنگار
 یکبار به بیژنی با چه کردند - و فرانسبا آنها چه کرد اندر و منبر چه شد

۶۰- بعضی المان با ناپلیون - ناپلین تمام اسیان
 که در مقابل او مقاومت می نمودند منحل ساخته بود و ممالک
 بسیاری را که حده آنها بعد و می ایالت میرسد ضمیر فرستاده
 کرده بود و سلاطین اروپا تا ناچار اطاعت او بودند در همه جا
 سرانگیری مقرر داشته در موقع لزوم از سایر طبقات مردم نیز
 قشون میگرفت از این جهت قشون فرانسه منفر فرانسوی تنها نبود
 بلکه ایتالیائی و اسپانیولی و بسیاری المانی در میان آنها بود
 سران از آن او تمام اروپا را پر نموده و تقریباً در تمام شهرها را غلظ
 گذاشته بود و لایطیح راهها را پر از سربازان او بود که با بسیاری
 و نابل و پروس و اطریش می رفتند زیرا که در تمام اینجا جنگ و
 المانها پیش از سایرین صدمه و زحمت دیده بودند و لهذا از فرانس
 بنامی مقرر کرده شدند و عظامی ایشان کتابها نوشته اند که سربازان

آلمانی را بیجان آوردند تا به کلی اجماع نموده بروشنی مجموعی کنند
در پرسش بیستی از برای خلاصی از دست فرانسه تشکیل کرد

سؤالات

ناپلئون با مقاومت کندان چه کرده بود چند ایالت را ضمیر فرانس
کرده بود قشون او از چه تمهات تشکیل یافته بود قشون ناپلئون کجاست
آلمانها در صورت فرانسه و ناپلئون چه اقدامی کردند

۱۸۰۱ - پیمان ۱۸۱۲ - ناپلئون اول سیهده را
قشون داشت با امپراطور روس نزد دست بود و چکس را تا به
و معاینه آنها بود در ۱۸۱۲ ناپلئون دوستی خود را با امپراطور روس
بر هم زد و با او اعلان جنگ نمود و بر پادشاهان اروپا فشار آورد
که در این باب متفق شوند و سیصد و پنجاه هزار قشون که مرکب از
فرانسوی، ایتالیایی و آلمانی و پروسی و اطریشی بود بروسمه بود
آشهر مسکو رفت ولی در بازگشتن چون زمستان در نهایت سختی بود
سربازان او از سرمایای که سنگینی تنف شدند و بسیاری از ایشان راهگ
سواره قزاق روسی مانیره ای بلند و نیال کرده گشتند و آلمانها

دیدند موقع آن رسیده که خودشان از دست ناپلیون خلاص شدند
 از ۱۷۸۱ وزیرای پروس در مد تریب و تئیه قشون بودند
 و محض اینکه برامید و دلیری آنها بفرزاند مقرر داشتند بود که سرانجام
 میسرند صاحب منصب کرده و مقداری هم قشون ذخیره تریب هم
 بودند و آن قشون عبارت از اشخاصی بود که با اسلحه مشق نمود و با
 جزو به هنگام جنگ داخل صف قشون نمیشدند در بار سال ۱۸۱۳
 پادشاه پروس بر عیایمی خود اعلام نمود که از برای جنگ حاضر
 شوند و جوانان پروس خوانده او بتدریج حاضر جنگ گردیدند و
 مثل رجب طین و عداوت فرانسه ایشاد نموده بخوانند که بنیدیم
 آن سرور در آلمان میخوانند پروس که تمام محبت آن سیش از
 پنج ملیون بود و دست پنجاه هزار قشون حرکت داد انگلیسها و روسها
 و پروسها و اطریشها و اسپانیولیا در دشمنی ناپلیون اتفاق
 نموده قشون بزرگ ناپلیون که مرکب از این ممالک بود بر بسم خور
 و ناپلیون تهمید و آقشونی از سر باران جوان تشکیل داده در جنگ

درست فتح نمود ولی در لیب ریکت در جنگی که در ۱۸۱۳ وقوع یافت
در مقابل مسیحه هزار قشون و دول متفقہ زیاده از یکصد و سی هزار
نفره داشت و بعد از جنگی که سه در بطول انجامید ناپلیون مجبور بعتصیب
نشتن شد و بر قدر او عجب می نشست بر همان دلیری المانها در
سرا و افزوده می شد

سوالات

قشون ناپلیون اول چه قدر بود ناپلیون با امپراطور روس چه کرد
قشون او در مراجعت از مسکو چه شد و برای پرورس از کی در صدر تربیت
قشون بودند مادشاه پردس و پروسیها چه او را می نوشت و دل که در عداوت
ناپلیون اقیانوس نموند کدام بودند کار جنت ناپلیون با ایشان کجارسید
۲-۱- **تخمیر فرانس** - دول متفقہ یکی از المان عبور نمود
حکمت فرانسه را فرا گرفتند و در فرانسه قشونی از برای دفاع باقی
نمانده بود ناپلیون امر نمود جوانان بیجه و ساله میباشی
شوند و قشونی از ایشان تشکیل داده با این سربازان جدید خود
در ۱۸۱۴ جنگ شکست انگیزی انجام داد و دول متفقہ تا پاریس
آمده لویی بیجیم را همراه خودشان آوردند و ناپلیون در ۱۸۱۵

برکت و لوی بیجهم را سرکمون ساخت ولی دول متفقہ جنگ
 و اثر و مجتہ و افسرانہ افرا گرفته از ہر طرف اردان شدت
 قشون ایشان یک ملیون و دویست ہزار بود و در این وقت در فرانسہ
 معیم کردند مدت دو سال مملکت فرانسه در تصرف قشونہای دشمن
 بود روسہا در لورین و انگلیسہا در شمال پر و سہا مابین روسین
 و لوارد اطیشی با درورہ زن اقامت جستہ بودند و پادشاہ
 مجبور کردہ بودند باقی ماندہ قشون فرانسہ را ترخص کند

سوالات

دول متفقہ چه کردند۔ ناپیون چه کرد۔ بحیثیت قشون دول متفقہ چه قدر
 بود چه کردند۔ ہر یک از ایشان کجا را فرا گرفتند

۲۰۱۔ عہد نامہ وین ۔ در سال ۱۸۱۵ تمام سلاطین
 سفرای خود را از برای تقریر شرایط صلح بوین فرستادہ بودند و ہا
 مجلس کنگرہ دین خوانند و مدت ہفتماہ مشول کشیدہ از تمام ممالک
 اروپا از خود فرانسہ ہم در اینجا نمانیدہ حضور بھرسانندہ بود
 سلاطین اروپا ناپیون با اہمیت میکرد کہ ولایات و ایالات ابا

ندره و در خلاف قانون محض بواسطه خود تصرف نموده و حال آنکه خود را
 بعین کار را کرده و انالی مالک آن مانند کله کرسند در میان خودشان
 تقسیم نموده بدون اینکه از خود آنها مشورتی نموده رضایت آنها
 ملاحظه نمایند. و ایالت‌های ممالک ضعیفه از آنها مجزئی نموده بدو
 قومی میدادند و قعه اروپا را از روحی بواسطه نفس بزرگی که میخواستند
 تزیین میدادند در این گنجه‌ها آنچه را با پولیون ضمیمه ساخته بودند
 فدا شده گرفتند بلکه بزرگ و ممالک من و ساو و ابراهیم از این
 گرفتند پروسا میخواستند رئیس بزرگ را بهم بگیرند ولی امپراطور
 روسی اجازه نداد ممالک من را تا این پروسا با او بر تقسیم کرد
 و بزرگ بدون رضایت بیگنی به بلاد متصل نمرد اطیش نام
 شان بطالیا را گرفت و پادشاه نشین مبار و نیتین را بدون
 میل ایتالیاییها قتل داد روس نمی رادون رضای آنها گرفت
 و پروسا یک ابات از پادشاه نشین ساکس را بدون رضایت
 ساکسونها مالک شدند سوئز و ژر را از پادشاه دانمارک گرفت
 انگلیس از ممالک اروپا چیزی نگرفت جز اینکه دماغه امید خیر را

داشت که از پلاز پها گرفته بود و همچنین یک مهاجر نشین فرانسه را
که جزیره فرانس باشد *

سوالات

مجلس کنسره وین در چه تاریخ منعقد گردید - سلاطین اروپا ناپلیون را
برای چه طاعت میگردند و خود ایشان در کتب چه کارها شدند

۱۶۴- نتایج جنگهای مملکتی - ناپلیون چند طایفون آدم
تلف نمود و مدت پانزده سال تمام اروپا را در صدها اذیت داشت
و نتایجی که از این جنگها حاصل گشت از این قرار بود
ممالک دس و پروس و اطریش و باویر دست یافت و مملکت فرانسه
کوچک شده باز اندازه که قبل از شورش بود قرار گرفت
بسیاری از ممالک کوچک بر آنکه مانع اتحاد و اتصال المان با ایتالیا
بود ناپلیون خراب نمود در المان سینه پنجاه مملکت کوچک بود
و بیش از سی و پنج آنها باقی نماند در تمام ممالکی که فرانسها تسخیر کرد
حقوق ریاست آقائی را معروف نمود و داشتند و تساوی میان
برقرار کرد در ایتالیا ممالک آن قانون فرانسه را اجتناباً داشتند

و در سایر ممالک نیز پادشاهان ایشان محض اینکه رعایا را برخصت
 و دشمنی ناپلیون برانگیزد مجبور بودند ترقیباتی بدینند ^{نقطه ای} آنها
 و ایتالیا آنها از این جنگها فایده بردند و فرانسها متضرر گشتند زیرا
 که بزرگترین ممالک آن که پس از شورش بفرانسه ملحق شده بود در آن
 جنگها از دست ایشان بدر شد

سؤالات

نتایجی که از جنگهای ناپلیون و سلاطین اروپا حاصل شد شرح دهید

خلاصه که باید از برنامهند

اولاً - ژنرال بناپارت در پیجدهم ماه دوتیم جمهوری فرانسه کنترول
 کردید و بعد از آن در ^{۱۸۰۴} امپراطور فرانسه شد و در مملکت فرانسه
 حکمرانی مطلقه مالکانه نموده ممالک اروپا بدون رضایت مشورتی
 آنها ضمیه فرانسه نمود و آنها عبارت بود از یک جزیره ایتالیا و ایالتها
 ویرسی و هلند و سواحل بحر شمال و همه را برادر و اقوام خودش داده آنها

در ایالت‌ها و آلمان و اسپانی سلطت داد
 ثانیاً - اطریش و روس و انگلیس که در سال ۱۸۰۳ و ۱۸۰۴ امضا کرده
 بودند در سال ۱۸۰۵ اتفاق تیم را ننموده ناپلیون در استری مطابق ۸۰۵
 فاتح شد

ثالثاً - ناپلیون در نیاده در ۱۸۰۶ بر پروس غالب آمد و صاب
 نام آلمان گردیده نام خود را حامی دولت متحده انتشار داد
 رابعاً - از برای خرابی و صدمه انگلیس از پذیرفتن امتعه انگلیس منع نموده
 در هر جای یافت نبط میزند یا میوزانید

و اما - حاکم اسپانی که ناپلیون سلطت آنها را برخلاف نصابت اهل
 آن برادر خودش زلف داده بود در سال ۱۸۰۸ ایسپان کرده بدستجات
 مختلف مخفی متقسم و بسیاری از سران فرانسه آنها بودند ساختند
 سادساً - امپراطور اطریش در سال ۱۸۰۹ عایای خود را برای جنگ اخبار فرستاد
 و در و اگر ام مغلوب گردیده چند ایالت دیگر از دستش سرودن رفت ولی
 امانی تیرل که ناپلیون آنها را با کراه از اطریش جلای وطن داده بود دشمنی ناپلیون
 برخواستند

سابقاً - قشون ناپلیون لایقطع از آلمان عبور نموده با مالی بددقاری و آنها را
خارت میکردند تا بالاخره آلمانها مستعزف شدند

ثامناً - ناپلیون دوستی خود را با امپراطور روسی برپیم زد و در سال ۱۸۱۲ قشون
او را در مسیه افرا کرده تا سوزنقند ولی در مراجعت قشون او از سر با تلف شد
در سال ۱۸۱۳ پروس و اطریش با ناپلیون اجبار جنگ نمودند و در لیب یک
مغلوب گردیده مجبور شدند که از آلمان صرف نظر کنند

تاسماً - قشون دول متفق فسانه افرو گرفت و با وجود جنگ شهبانمان
که فرانسه در ۱۸۱۴ با پایان برد ناپلیون مجبور گردید که استنا نماید و دوباره
در ۱۸۱۵ مراجعت کرد و در جنگ واترلو مغلوب شد و آخرین قشون دوم باره
داخل فرانسه گردید و قریب دو سال توقف نمود

حاشراً - در سال ۱۸۱۴ مجلس کنسکوه وین نقشه اروپا را از نو ترتیب داد
سلاطین اروپا مکتباً را بدین ضایت و اطلاع مالی آنها در میان فرست
نمود و تمام ممالکی که فرانسه از زمان شورش ضمیمه خود نموده بود از دست برد

و ممالک پروس و اطریش و روسیه و انگلیس بکلی دست یافتند
علاویش نتیجه جنگهای ناپلیون بزرگ شدن سایر دولتها و کوچک شدن فرانسه گردید

فصل نهم

شورشها و فرم پلیسی در اروپا از ۱۸۱۵
۱۶۵ - دولت بنامینده - بر گاه نخواهند احکام دولت
از روی خافیت و عدالت اجری کرد و باید در احکام خود مستقل بود
زمام اختیار مملکت و امور دولت در دست شخص پادشاه یا خدیو
وزرا نباشد بلکه پادشاه و وزراء باید مطیع قانون مشروطیت و
نمایندهگان ملت باشند

نمایندهگان باید همه ساله جمع شوند و مجلسی تشکیل داده ترقیب بایات
و وضع قانون نمایند و از وزراء مراقبت کامل داشته باشند همچنین
دو نیمی را دولت بنامینده یا مشهوره با آزاد خوانند و دولتی که پادشاه
در آن بر حسب میل خود احکام صادر نماید دولت مستبد گویند
و این قسم دولت بسیار به است زیرا که انانی در آن آزاد نیستند
از زمان شورش فرانسه در تمام ممالک اروپا مردم باینده که دولت
بنامینده داشته باشند یعنی آزاد باشند و برخلاف اینها جمعی دیگر

مایل مستند که سلطنت مطلقه را برپا می‌دارند و ایشان را مستبدین گویند
این دو طبقه مردم از سال ۱۸۱۵ در همه جای اروپا با یکدیگر مشغول
خوردند

مسئله‌ها

دولت با نمانده که است و دولت مستبد یعنی چه که ام پکت از این دولت
بهرینه نماندگان ملت به می‌کنند. دو طبقه نمانده خوالان و مستبدین از چه
زمان مشغول زد و خورد شدند

۱۶۶- اتفاق مه‌س - در سال ۱۸۱۵ خواستگان سلطنت
مطلقه قوی‌تر بودند و سلاطین که در خدمت ناپلیون اتفاق کرده بود
بر عایای خودشان وعده میدادند که دولت مشروطه مقرر شده
اعتیاز شخصی را منسوخ نمایند ولی قلباً از این معنی کمال نفرت آوا
و بعد از آنکه امتیاح ایشان بعبادت همراهی عایا بر طرف کرده
از ادای حقوق بر عایا امتناع ورزیدند و همچنین ترقیات قدیم را
که کشور فرانسه در ایالات منقرضه منسوخ کرده بودند سلاطین
متفقاً مجدداً بر سر آر نمودند و این سلاطین دشمنان آزادی